

دکتر متقی، شما اگر جای روس‌ها بودید و در برابر سؤال دکتر سلیمی قرار می‌گرفتید، به ایشان چه پاسخی می‌دادید؟

ابراهیم متقی: من اگر جای دکتر سلیمی بودم، هیچ‌وقت این پرسش را نمی‌کردم؛ چو دانی و پرسشی سؤال خطاست! برخی‌ها در ایران که حتی ممکن است در سمت‌های بالای سیاسی و دیپلماتیک هم باشند، تصور می‌کنند اروپایی‌ها یا روس‌ها باید حافظ منافع ملی ما باشند، درحالی‌که به هیچ‌وجه این‌طور نیست. در حال حاضر، جهان در تنگنای بسیار پیچیده‌ای قرار گرفته است و قابلیت ما در این تنگنا ظرفیت ژئوپولیتیک ماست. ما در چهارچوب این ظرفیت ژئوپولیتیک می‌توانیم ائتلاف‌هایی با طرف‌های مختلف داشته باشیم، اما باید متوجه باشیم که این درنهایت یک همکاری تاکتیکی خواهد بود، نه بیشتر.

به نظر شما این درک در سیاست‌گذاران ما شکل گرفته است؟

ابراهیم متقی: من با درک این و آن کاری ندارم، من از یک الگوی ضروری کنش سخن می‌گویم که آن را الگوی کنش پراگماتیستی نام می‌گذارم. پراگماتیستی به چه معناست؟ یعنی از آن فضای ایدئال‌گرایی ذهنی که گمان می‌کنیم می‌توانیم بدون تغییر در معادله قدرت، سیستم را تغییر دهیم، باید فاصله بگیریم. روح‌الله رضانی^۱ می‌گوید سیاست خارجه ایران نه دیالکتیکی است، نه تکاملی، بلکه سیاست خارجه ایران ماهیت رنگارنگ دارد و ما باید از این رنگارنگ بودن فاصله بگیریم. حسین سلیمی: یعنی ما باید یک توان نظامی یا یک توان اقتصادی متناسب داشته باشیم که بتوانیم آن معادله را تغییر بدهیم.

دکتر متقی، به نظر شما این توانایی وجود دارد؟

ابراهیم متقی: نه، توانش وجود ندارد. ما به دنبال «تغییر سیستم» (system change) هستیم، یعنی به دنبال این هستیم که چیزهایی از ماهیت و ذات این سیستم جهانی را تغییر دهیم، که قدری دشوار است، اما چینی‌ها به دنبال «تغییر درون سیستمی» (systematic change) هستند. آن‌ها می‌خواهند روابط قدرتی را که میان بازیگران بزرگ وجود دارد تغییر دهند. به همین دلیل هم درحالی‌که ما نظم اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را نمی‌پذیریم، چینی‌ها در مدار قدرتی عمل می‌کنند که با اقتصاد سرمایه‌داری پیوند می‌خورد و ناچارند آن ذات را بپذیرند.

با این تفاوتی که در رویکردها وجود دارد، چطور می‌توان از همکاری با چین در نظام بین‌المللی و حتی از آن فراتر، از سیاست «نگاه به شرق» سخن بگوییم؟

ابراهیم متقی: چرانتوانیم؟ نگاه به شرق، سیاست واکنشی ایران در برابر فشارهای اقتصادی، تکنولوژیک و راهبردی ایالات متحده است. نگاه به شرق یک تبار دارد؛ تبارشناسی سیاست نگاه به شرق، فهم معادلات جهانی در بافتی است که در آن سیاست خارجی ایران در درون یک مربع ساخته می‌شود که اضلاع این مربع، ایران، آمریکا، اروپا و اتحاد جماهیر شوروی هستند. این موضوع حتی به جمهوری اسلامی ایران هم اختصاص ندارد. ایران از دهه ۱۹۶۰ در چهارچوب همین سیاست نگاه به شرق است که روابطش را با اتحاد شوروی بازسازی می‌کند و در چهارچوب همین معادلات جدید میان ایران و روسیه است که ایوانف در کتاب مشهور خود «تاریخ نوین ایران»^۲ از حوادث سال ۱۳۴۲ در ایران